



پسازندگی اشعار ادوارد فیتزجرالد: خوانش تطبیقی رباعیات فیتزجرالد و جوان شراپشیری هاوسمن

مصطفی حسینی^۱

چکیده

ترجمه آثار ادبی می‌تواند موجب ابداع و نوآوری ادبی شود. معمولاً دوره‌های مهم نوآوری ادبی اغلب از پی دوره‌های فعالیت فشرده ترجمه می‌آیند. با اینکه اندیشه‌های نو، انواع ادبی جدید، و ساختارهای تازه از طریق ترجمه ایجاد می‌شوند، ولی متأسفانه، تا همین اواخر، تطبیق‌گران چندان به آن اهمیتی نمی‌دادند. رباعیات در مسیر پذیرش به اشعار بدبینانه‌ای تبدیل شدند و نسلی را مخاطب قرار دادند که با شک، بدبینی، تقدیرگرایی، و اغتنام فرصت در نیمه دوم قرن نوزده دست به گریبان بودند. بنابراین، این ترجمه هم به عنوان اثری از ادبیات مشرق‌زمین، هم به صورت گفتمانی موافق با فضای ادبی این دوره مورد استقبال قرار گرفت. تأثیر این اشعار چنان بود که از یک سو الگویی برای نسل جدیدی از شاعران محسوب می‌شد که سعی داشتند شک، بدبینی، تقدیرگرایی را به دست‌مایه‌ای مناسب برای شعر پیشامدرن تبدیل کنند. از دیگر سو، این ترجمه معیاری برای مترجمان آینده بود، زیرا ظرفیت‌های شعر فارسی را به خوانندگان انگلیسی زبان عرضه می‌کرد. رباعیات در چگونگی شکل‌گیری شعر پیشامدرن انگلیسی، از حیث فرم و محتوا، خاصه شعر الفرد ادوارد هاوسمن نقش داشته است. بی‌گمان جوان شراپشیری هاوسمن با رباعیات فیتزجرالد اشتراکات انکارناپذیری — مانند بی‌ثباتی و ناپایداری جهان، فرصت‌جویی و عشرت‌طلبی، بدبینی و نومیدی — دارد.

واژگان کلیدی: خیام، فیتزجرالد، ترجمه پژوهی، هاوسمن، دم‌غنیمت‌شماری

^۱ استادیار زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه بوعلی سینا همدان